



راز تقدم و تأخر «تزکیه» و «تعلیم» / دلایل تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه چه بود

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیاتی از سوره بقره، به مسئله تقدم و تأخر تزکیه و تعلیم اشاره کرده و می گوید: در همه مواردی که خدای سبحان سمت انبیا را ذکر می کند، تزکیه را قبل از تعلیم ذکر می کند؛ آنجا که تزکیه مقدم است برای اینکه تزکیه علت غائی و هدف است اگر تزکیه بر تعلیم مقدم شد، برای آن است که هدف بر وسیله مقدم است.

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیاتی از سوره بقره، به مسئله تقدم و تأخر تزکیه و تعلیم اشاره کرده و می گوید: در همه مواردی که خدای سبحان سمت انبیا را ذکر می کند، تزکیه را قبل از تعلیم ذکر می کند؛ آنجا که تزکیه مقدم است برای اینکه تزکیه علت غائی و هدف است اگر تزکیه بر تعلیم مقدم شد، برای آن است که هدف بر وسیله مقدم است.

آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 150 تا 151 سوره بقره که به تغییر قبله اشاره دارد (وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمِ يَنْعَمَنِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ * كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ، در مورد علت تکرار حکم تغییر قبله می گوید: در جریان تحویل قبله از بیت المقدس به کعبه، خدای سبحان چند بار این مطلب را بازگو کرد. مجموع آنچه که به خود رسول اکرم(ص) و به امت خطاب فرمود، پنج بار هست که این پنج جمله نشانه تکرار پنج بار است.

سه دلیل تغییر قبله

وی به تشریح سه دلیلی که قرآن در مورد علت تغییر قبله بیان می کند، اشاره کرده و می گوید: اولین دلیل قطع حجت اهل کتاب؛ یکی اینکه فرمود: لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ؛ ما قبله را از بیت المقدس به کعبه منتقل کردیم تا اینکه بر شما حجتی نباشد. این اعتراض منصفانه بر اثر آن بود که در کتب انبیای پیشین آمده است که رسول خاتم یا ذوالقبلتین است یا قبله دائمی او کعبه است و مانند آن. اعتراض منصفانه اهل کتاب این بود که اگر شما بر حق آید و رسول شما خاتم انبیا است، قبله دائمی او باید کعبه باشد، در حالی که الآن شما سالیان متمادی به سمت بیت المقدس نماز می خوانید؛ چون این حجت باید برطرف شود. لذا خدای سبحان دستور داد که از بیت المقدس به کعبه متوجه بشوند، این یک نکته. و جریان رسول خدا و مؤمنین همراه پیغمبر در تورات و انجیل آمده است، چه اینکه در آیه آخر سوره مبارکه فتح از وجود مبارک پیغمبر خبر داد که فرمود: آن حضرت رسول خدا است، وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَمَاهُمْ فِي وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.

تغییر قبله؛ نشانه ای که اهل کتاب بر آن آگاه بودند

آیت الله جوادی آملی می افزاید: [خداوند] جریان رسول اکرم(ص) و مؤمنین همراه آن حضرت را در تورات و انجیل مبسوطاً بیان فرمود؛ خصوصیات وجود مبارک پیغمبر را هم در عهدین یعنی تورات و انجیل مبسوطاً بیان فرمود طوری که فرمود: الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ، پس هم خصوصیات وجود مبارک پیغمبر در تورات و انجیل بیان شد، هم بسیاری از خصوصیات مؤمنین همراه پیغمبر در تورات و انجیل روشن شد، لذا فرمود به اینکه اهل کتاب هم پیغمبر را (همان طوری که فرزندان را با حس می شناسند) شناخت حسّی دارند یعنی شناختی دارند کالحسّ و هم درباره اصل قبله، در آیه 144 فرمود که وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ، هم درباره پیغمبر فرمود: الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ، هم درباره حقانیت تحویل قبله از بیت المقدس به کعبه فرمود: وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ، پس اهل کتاب هم رسالت رسول خدا برای

آنها روشن بود و هم حَقَانِيَّتِ قبله بودن كعبه براي اينها روشن بود و اگر چنانچه قبله از بيت المقدس به كعبه منتقل نمي‌شد، اينها حقّ احتجاج داشتند؛ براي اينكه حَجَّتِي به سود اهل كتاب بر اسلام و مسلمين نباشد، دستور تحويل قبله آمد، پس يكي از فوائد تغيير قبله آن است كه لَيْلَا يَكُونِ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ.

وي در ادامه يادآور مي‌شود: آنگاه معلوم مي‌شود كه چرا رسول خدا منتظر قبله‌اي بود كه براي اسلام و مسلمين پسندیده باشد و خدای سبحان به او وعده داد، فرمود: فَلْتَوَلَّيْتُكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا ؛ معلوم مي‌شود اين رضا، رضاي الهي است، نه رضاي انساني؛ براي اينكه اهل كتاب احتجاج مي‌کردند [و] مي‌گفتند: اگر شما پيغمبر خاتم‌ايد، بايد ذوالقبليتین باشيد و بايد قبله دائمي شما كعبه باشد. نه بيت المقدس و شما ساليان متمادی است كه به طرف بيت المقدس نماز مي‌خوانيد، معلوم مي‌شود آن رضاي پيغمبر، رضاي الهي بود نه رضاي قومي و انساني و مانند آن اين يك فائده براي تغيير قبله.

تتميم نعمت يکی از علل تشريع احكام

اين مفسر برجسته قرآن، اتمام نعمت را دليل دوم قرآن در تغيير قبله عنوان کرده و مي‌گويد: فائده ديگر آن است كه فرمود: وَلَئِمَّ نِعْمَتِي، اين يكي از نعم الهي است كعبه‌اي كه معمارش پيامبران الهي‌اند و مأمور شدند كه آن بيت عظيم را از هر آلودگي تطهير كنند، اگر كسي به آن سمت رو بياورد، بهتر مي‌تواند خدا را عبادت كند و اين قبله بودن كعبه نعمتي از نعمتهاي معنوي است، فرمود: وَلَئِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ ؛ خدای سبحان همان طوري كه آفرينش آسمان و زمين و آفرينش هوا و آب را نعمت مي‌داند، احكام دين را هم نعمت مي‌داند، بلكه اينها نعمي هستند اُعلي و اُولی؛ عبادات را، طهارت ثلاث را، دستور وضو و تيمم را هم خدای سبحان نعمت مي‌داند؛ چون دين با همه اجزايش نعمت است.

آيت الله جوادی آملی ولايت را والاترين نعمت الهي خوانده و تأکيد می‌کند: آن مهره اساسي و محور اساسي‌اش كه ولايت است وقتي آن ولايت تنزل كرد [و] نصيب مردم شد، آن وقت مي‌شود: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وگرنه در طي اين 23 سال احكام الهي به تدريج نازل مي‌شود تا نعمت يكي پس از ديگري به پايان برسد، وقتي به ولايت رسيد آن گاه فرمود: وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي.

وي تتميم نعمت را يكي از علل تشريع احكام خوانده و يادآور مي‌شود: در سوره مباركه مائده آيه 6 كه جريان طهارات ثلاث را ذكر مي‌کند، مي‌فرمايد به اينكه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ؛ اين راجع به وضو، وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا؛ اين راجع به غسل، وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا؛ اين راجع به طهارت ترابي كه بدل از طهارت مائي است [و] نحوه طهارت ترابي هم اين است كه فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ احكام عبادي و طهارت ترابيّه و مائيّه را كه ذكر مي‌کند مي‌فرمايد: خدا مي‌خواهد شما را تطهير كند و نعمت را بر شما تمام كند.

طهير معنوي؛ فلسفه تشريع طهارات ثلاث

اين مفسر و عالم برجسته با بيان اينكه تطهير معنوي، فلسفه تشريع طهارات ثلاث است، مي‌گويد: اين تطهير، تطهير معنوي است، نه تطهير ظاهري؛ چون اين هم دليل طهارت ترابيّه است، هم دليل طهارت مائيّه. اگر مخصوص وضو و غسل بود، انسان ممكن بود خيال

کند این ناظر به نظافت است، ولی هم درباره وضو است، هم درباره تیمم بدل از وضو، هم راجع به غسل است، هم راجع به تیمم بدل از غسل است. فرمود: وضو و بدل از وضو، غسل و بدل از غسل برای آن است که شما را پاک بکند، معلوم شود طهارت، طهارت معنوی است و گرنه انسان دست و صورتش را به خاک بمالد و صورتش را خاکی کند که طاهر نمی‌شود. حالا اگر آلوده نشد طاهر نمی‌شود و اگر این تعلیل به طهارت مخصوص طهارت مائیه بود، انسان خیال می‌کرد وضو و غسل از باب نظافت است و خدا فرمود: ما می‌خواهیم شما را تطهیر کنیم، ولی بعد از اینکه طهارت ترابیه و طهارت مائیه یعنی وضو و تیمم و همچنین غسل و تیمم بدل از غسل را ذکر کرد، آنگاه فرمود: خدا می‌خواهد شما را تطهیر کند؛ معلوم می‌شود منظور از این تطهیر، تطهیر ظاهری و نظافت نیست، منظور طهارت است و آن غرور و منیت را در هم کوبیدن است، خوی خودخواهی را از بین بردن است.

آیت الله جوادی آملی در بخشی دیگر از تفسیر آیات 150 و 151 بقره تصریح می‌کند: ... همه احکام الهی نعمت‌اند و یکی پس از دیگری این نعم را خدا نازل می‌کند تا به آن نعمت کبرا برسد که ولایت است و آن را در سوره مبارکه مائده، آیه 3 به‌عنوان نعمت پایانی اعلام کرد، فرمود: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي؛ برای اینکه والی و ولیّ مسلمین گذشته از آن جنبه ملکوتی مجری احکام الهی است. نعمت با نصب حضرت امیر(ع) به عنوان خلافت و ولایت به پایان رسیده است.

اهتدا و راهیابی مسلمانان؛ سومین ثمره تغییر قبله

وی اهتدا و راهیابی مسلمانان را سومین ثمره تغییر قبله از دیدگاه قرآن عنوان کرده و می‌گوید: ... فرمود: وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ شما از این حیرت و اعتراض بیرون بیایید و به مقصد برسید. بهترین راه برای شما انتخاب شده است؛ نه دچار طعن بداندیشان حجازید، نه دچار اشکال اهل کتاب هستید، راه را برای شما مشخص کردیم. خدایی که راه را برای شما مشخص کرد شایسته است شما مهتدی بشوید. در جریان قبله آیاتی که قبلاً گذشت به‌عنوان هدایت الهی تبیین شد. وقتی هدایت از طرف خدای سبحان تأمین شد نوبت به اهتدای مردم می‌رسد، آیه 142 که بحثش قبلاً گذشت این بود، فرمود: سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَيَّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ؛ صراط مستقیم ملت اسلامی همان توجه به کعبه است، پس خدا هدایت کرد شما باید مهتدی باشید؛ از طرف خدا هدایت و از طرف شما اهتدا، لذا جریان قبله را به‌عنوان هدایت الهی به‌خود نسبت داد آنچه که به فاعل برمی‌گردد و آنچه که به قابل برمی‌گردد اهتدا است. در آن کریمه فرمود: خدا هر که را به‌خواهد به صراط مستقیم راهنمایی می‌کند. در آیه محل بحث هم فرمود: وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ از طرف خدا هدایت، از طرف انسانها اهتدا.

نبوت حضرت محمد(ص)؛ دعای مستجاب حضرت ابراهیم(ع)

این عالم و مفسر در ادامه در تفسیر آیه 151 بقره، رسالت پیامبر(ص) دعا مستجاب حضرت ابراهیم (ع) عنوان کرده و می‌گوید: آیه 151 این است: كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ یعنی همان‌طوری که ما این نعم الهی را بر شما روا داشتیم، نعمت برتر که نعمت نبوت و رسالت بود بر شما ارزانی داشتیم و برای شما فرستادیم. این اجابت دعای ابراهیم خلیل(ع) است که بحثش قبلاً گذشت. در همین سوره مبارکه بقره آیه 129 دعای ابراهیم را خدا ذکر کرد، فرمود بعد از اینکه ابراهیم کعبه را ساخت و مأمور شد که این کعبه را تطهیر کند و بنا کند، آنگاه عرض کرد: رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ عرض کرد: من خانه را ساختم، ولی کعبه‌ای که پیغمبر نداشته باشد، دین نباشد، مجموعه وحی نباشد يك سنگ و گلی بیش نیست که «؛ لا تضر ولا تنفع، صرف اینکه من کعبه ساختم کافی نیست، تو يك راهنما و رهبر باید برای مردم بفرستی که مردم را به سوی کعبه هدایت کند. پیغمبری مبعوث کن که آیات را بر مردم تلاوت کند، آنها را به احکامات آگاه کند و آنها را تزکیه کند. این دعای ابراهیم خلیل(ع) بود و این دعا را خدای سبحان مستجاب کرد، لذا رسول اکرم(ص) می‌فرمود: «؛ أَنَا دُعَاةُ أَبِي اِبْرَاهِيمَ» یعنی من طبق دعای جدم ابراهیم خلیل مبعوث شدم؛ او دعا کرد که پیغمبری مبعوث بشود، من به‌استجابت دعای او به نبوت رسیدم.

آیت الله جوادی آملی می افزاید: آنگاه خدای سبحان فرمود: ما همان طوری که سایر نعم را به شما دادیم آن نعمت عظمی و برجسته که نعمت نبوت و رسالت است به شما اعطا کردیم که آن پیغمبر کارش عبارت از تلاوت، تعلیم و تزکیه است. کما أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا؛ این کما مشابه همان وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا، که در آغاز آیه 143 بود که پایان آیه 142 با ابتدای آیه 143 هماهنگ است، در آنجا فرمود: يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا یعنی همان طوری که شما را به صراط مستقیم هدایت کردیم و کعبه را قبله شما قرار دادیم، اینجا هم فرمود: کما أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا یعنی نعم را بر شما اتمام کردیم و می‌کنیم، شما را هدایت کردیم چه اینکه برای شما پیامبری فرستادیم که برنامه‌اش تلاوت است و تعلیم و تزکیه: کما أَرْسَلْنَا فِيكُمْ؛ در بین شما و درباره شما رسولی را که از شماست [و] بیگانه نیست، مورد شناخت شماست. در بین شما هست و از شماست، رسولی را فرستادیم که يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا آیات الهی را از طرف ما بر شما تلاوت می‌کند، تا شما را با آیات الهی آشنا کند، وَيُزَكِّيَكُمْ؛ شما را تطهیر می‌کند، وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ.

وی در ادامه به راز تقدّم و تأخر «؛ تزکیه» و «؛ تعلیم» اشاره کرده و می‌گوید: در دعای حضرت ابراهیم(ع) تعلیم قبل از تزکیه یاد شده است که عرض کرد: رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ. و در همه مواردی که خدای سبحان سمت انبیا را ذکر می‌کند، تزکیه را قبل از تعلیم ذکر می‌کند. خدا می‌فرماید: ما انبیا را فرستادیم که مردم را تزکیه کنند و تعلیم. آنجا که تعلیم مقدم بر تزکیه است برای اینکه چون تعلیم مقدمه تزکیه است حقّ تقدّم دارد آن طوری که مقدمه بر ذی المقدمه حقّ تقدّم دارد. آنجا که تزکیه مقدم است برای اینکه تزکیه علت غائی و هدف است اگر تزکیه بر تعلیم مقدّم شد، برای آن است که هدف بر وسیله مقدّم است.

ارائه راه عملی تزکیه

طریق تزکیه را هم آموخت، فرمود به اینکه تزکیه صرف تعلیم نیست که احکام را یاد اینها بدهی. آنها را وادار به عمل کن، سیر عملی اینها تزکیه اینهاست. درباره اخذ زکات فرمود: حَذَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ؛ فرمود: از اینها زکات بگیر و اینها را پاک بکن. معلوم می‌شود دلبستگی به مال و پرداخت نکردن حقوق الهی ناپاکی است؛ خود مال آلوده نیست، همین مالی که به دست صاحبش هست و باید زکات بدهد و نداد، همین مال وقتی به دست ولی امر رسید می‌شود جزء اموال بیت المال و جزء پربرکت‌ترین مالها، قبلاً دست صاحب مال بود و صاحب مال را آلوده می‌کرد، الآن به دست ولی امر است و جزء اموال پربرکت است. خود مال از آن جهت که مال هست و عین خارجی است این عناوین را ندارند، آن تعلق و ارتباط بد و خوب است که انسان را تطهیر می‌کند یا تنجیس می‌کند. فرمود: اگر کسی به این مال بعد از تعلق زکات ارتباط داشت، آلوده است. مال آلوده نیست. ملک آلوده نیست، تملک آلوده است، تعلق آلوده است، فرمود: این زکات را از صاحبانش بگیر و صاحبان زکات را با پرداخت زکات تطهیر کن: حَذَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا.